

## عرفان و رهبانیت در مسیحیت

عباس رسولزاده\*

### چکیده

عرفان برای درک حقایق ادیان در برابر ظواهر دینی و تفکر عقلی طراحی شده و در حیات معنوی پیروان آنها تأثیر فراوانی داشته است. موضوع عرفان وجود، غایت آن اتصال به وجود نامحدود و زبان آن رمزی است. در مسیحیت الوهیت عیسی بر پایه مفهوم اتحاد و حلول توجیه می‌شود و آگوستین به عرفان مسیحی رنگ فلسفی می‌دهد. در تاریخ کلیسا عرفان با رهبانیت به هم آمیخته است. مسیحیت نیز در آغاز گونه‌ای عرفان یهودی بود و در مسیر خود از حکمت نوافلاطونی و عرفان هرمسی و غنوصی تأثیر پذیرفت. نظام‌های رهبانی در تاریخ مسیحیت همواره بر عرفان عملی تأکید داشته‌اند و با انحرافات نیز همراه بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: عرفان، رهبانیت، مسیحیت.

## مقدمه

عرفان برای درک حقایق ادیان در برابر ظواهر دینی و تفکر عقلی طراحی شده است و همواره در حیات معنوی پیروان ادیان تأثیر فراوان داشته است. عرفان از ذوق برمی خیزد و رابطه‌ای تنگاتنگ با هنر دارد و در هر سرزمینی می‌روید و خود را با دین رایج هر زمان و مکان هماهنگ می‌سازد. عرفان شناخت مستقیم خدا از راه تجربه دینی فردی و پرستش او بر پایه محبت است. عَلامه طباطبائی در این باره می‌نویسد:

عارف کسی است که خدا را از راه مهر و محبت پرستش می‌کند، نه به امید ثواب و نه از ترس عقاب. از اینجا روشن است که عرفان را نباید در برابر مذاهب دیگر مذهبی شمرد، بلکه عرفان راهی است از راه‌های پرستش (پرستش از راه محبت، نه از راه بیم یا امید) و راهی است برای درک حقایق ادیان در برابر ظواهر دینی و راه تفکر عقلی. هریک از مذاهب خداپرستی، حتی وثنیت پیروانی دارد که از این راه سلوک می‌کنند. وثنیت، کلیت، مسیحیت، مجوسیت و اسلام عارف دارند و غیر عارف.<sup>۱</sup>

برای آنکه مفاهیم عرفانی به خوبی درک شود، باید با اصطلاحات اهل عرفان آشنا بود. عرفان مانند هر علم دیگری اصطلاحاتی مخصوص به خود دارد. زبانش، زبان رمز است. برخی کتاب‌های عرفانی، کلید این رموز را به دست داده‌اند. آشنایی با کلید رموزها سبب برطرف شدن بسیاری از ابهامات و ایهامات می‌شود.<sup>۲</sup>

سخن عشق نه آن است که آید به زبان ساقیا می‌ده و کوتاه کن این گفت‌وشنفت<sup>۳</sup> موضوع عرفان وجود یا هستی مطلق و مقصود از آن خدا است. عارف از هرگونه کثرتی ابا دارد. برای عارف، خدا تمام موضوع علم او محسوب می‌شود. اساس عرفان وحدت وجود است. احساس «تماس» انسان با خدا و اتحاد پیوسته با او، یکی از اصول عرفان مسیحی است. وحدت با خدا در میان عارفان مسیحی درست‌اندیش، به معنای اتحاد روحانی خالق و مخلوق در محبت و اراده است. عارفان مسیحی، جدایی بین خالق و مخلوق را امری قطعی می‌دانند و مفهوم ذوب شدن در خدا<sup>۴</sup> را انکار می‌کنند. «ذوب شدن در خدا» در اصطلاح عرفان اسلامی «وصل» نامیده می‌شود. در عرفان مسیحی، رؤیا، خلسه و خلع بدن مطرح می‌شود، ولی توجه به این امور پس از رسیدن به درجاتی از تجربه روحانی پایان می‌یابند.<sup>۵</sup>

اساس عرفان مسیحی ارتباط بی‌واسطه بین انسان و خداست. و غایت مطلوب این عرفان، اتصال به وجود نامحدود است. از دیدگاه برخی از عارفان هدف از زندگی مسیحی

اتحاد استوار بین خدا و مؤمن است. این اتحاد به تدریج انسان را خدا می‌سازد. عارف به درگاه الهی بار می‌یابد و این تشرف را با تعقل و تفکر نمی‌توان اثبات یا نفی کرد. طریقه عرفان، که الاهیات عرفانی نیز خوانده می‌شود، گاه موجب ترویج زهد و تأله و گاه موجب تمایلات الحادی و بدعت‌آمیز شده است.<sup>۶</sup> در مسیحیت، الوهیت عیسی بر پایه مفهوم اتحاد و حلول توجیه می‌شود. عیسی «خود» را در «پدر» و «پدر» را در «خود» می‌یابد و آنچه را بر زبانش جاری می‌شود، به «پدر»، که در وجود اوست، نسبت می‌دهد.<sup>۷</sup> عیسی این یگانگی را برای رسولان خود نیز قائل می‌شود: «تا همه یک گردند. چنان‌که تو ای پدر، در من هستی و من در تو، تا ایشان نیز در ما یک باشند تا جهان ایمان آورد که تو مرا فرستاده‌ای.»<sup>۸</sup>

کلمنت اسکندرانی از پدران کلیسا اعتقاد داشت که این اتصال و یگانگی، نه از راه علم، بلکه از طریق تحقیر حیات دنیوی و با عزلت و ریاضت به دست می‌آید. این تلقی مبنای عرفان مسیحی بود که در قرن چهارم با توسعه رهبانیت بیشتر مورد توجه قرار گرفت. آگوستین ذوق عرفانی خود را برای دفاع از ایمان به کار گرفت و به عرفان مسیحی رنگ فلسفی داد.<sup>۹</sup>

### پیشینه رهبانیت و عرفان

رهبانیت و عرفان در تاریخ کلیسا به هم آمیخته‌اند. گفته می‌شود حدود ۲۵۰ سال پیش از میلاد، هیئت‌های تبلیغی امپراتور هند آشوکا<sup>۱۰</sup> زندگی رهبانی و اخلاقیات دین بودا را به خاور نزدیک آوردند. اسنیان یهودی در یهودا و پرستندگان سرایس<sup>۱۱</sup> در مصر، از آرمان‌ها و آداب این هیئت‌ها استقبال کردند و آنها را به نسل‌های بعد انتقال دادند.<sup>۱۲</sup>

نام اسنی، مأخوذ از یک لفظ آرامی به معنای «شفادهنده» یا از یک واژه سریانی به معنای «پرهیزکار» است. اسنیان مالکیت فردی را مردود می‌دانستند و به صورت اشتراکی زندگی می‌کردند. از دسترنج خود بهره می‌بردند و به ازدواج روی خوش نشان نمی‌دادند و زنان را در جمع خود نمی‌پذیرفتند. اسنیان گروهی از یهودیان بودند که پیش از میلاد مسیح، برای دور ماندن از فساد جامعه به صحرا پناه بردند و دیرهایی را نزدیک قُمران در کرانه بحرالمتیت تأسیس کردند. بیشتر آنچه امروزه درباره اسنیان می‌دانیم، برگرفته از طومارهای بحرالمتیت<sup>۱۳</sup> است که به طور تصادفی در سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۵۱ از غارهای فلسطین به دست آمد.

یوسفوس در قرن اول، عقاید و رسوم آنان را متأثر از رواقیان و فیثاغورسیان و تعدادشان را ۴۰۰۰ تن می‌داند.<sup>۱۴</sup> این رقم، برای یک فرقه زاهد و گوشه‌گیر رقم قابل ملاحظه‌ای است. فیلو، حکیم یهودی اهل اسکندریه (۲۰ ق.م.-۵۰ م.) می‌نویسد: «در صحرای مصر گروهی از یهودیان و غیریهودیان، زن و مرد، در حجره‌های جدا از هم زندگی می‌کردند، روابط جنسی نداشتند، روز شنبه برای نماز جماعت گردهم می‌آمدند، و خود را تراپویتای<sup>۱۵</sup> یعنی شفا دهندگان (روح) می‌نامیدند.»<sup>۱۶</sup>

بسیاری از اشکال پارسایی در کتاب‌های عهد عتیق وجود دارد. نمونه‌هایی از رهبانیت یهودی، در آثار فیلون و یوسفوس دیده می‌شود. مسیحیت نیز در آغاز گونه‌ای عرفان یهودی بود و آن را «طریقت» می‌نامیدند.<sup>۱۷</sup> عرفان مسیحی در مسیر پیدایش و تکامل خود، از حکمت یهودی از طریق فیلو و از حکمت نوافلاطونی از طریق افلوپتین (م. ۲۷۰) و از عرفان هرمسی و غنوصی تأثیر پذیرفته است.

عرفان یهودی قبلاً (یعنی مقبول) نامیده می‌شود. عرفان یهودی در حیات معنوی بنی اسرائیل بسیار تأثیر داشته است. یکی از مهم‌ترین آثار در عرفان یهودی، کتاب زوهر (یعنی درخشان) است. درباره مؤلف واقعی این کتاب، اختلاف وجود دارد. در حدود نیمه قرن هجدهم فرقه عرفانی حسیدیم تأسیس شد و در شرق اروپا رواج یافت. این فرقه نمونه‌ای از عرفان عملی نزد یهود است که مراسم سماع نیز دارد.

برخی ادیان، بر عرفان نظری و برخی دیگر بر عرفان عملی تأکید می‌کنند. ولی می‌توان گفت که هر دو عرفان در همه ادیان حضور دارند. عرفان نظری در یهودیت سابقه‌ای طولانی دارد. اما هر دو عرفان نظری و عملی، در مسیحیت بیشتر شکوفا شده است. عرفان در مسیحیت مانند تصوف در اسلام، با انحرافات نیز همراه بوده است. در جهان اسلام، برخی از صوفیان منحرف با ادعای اینکه به مقام «یقین» رسیده‌اند و «مست» می‌عشق خدایند، با استناد به آیه «وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» (حجر: ۹۹) و یا آیه «لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ» (نساء: ۴۵) عبادات را ترک می‌کرده‌اند.

### علل گرایش به عرفان و رهبانیت

قرآن مجید رهبانیت را ابداعی معرفی می‌کند که خدا آن را علاوه بر رأفت و رحمت، در دل پیروان حضرت عیسی مسیح قرار داده است.<sup>۱۸</sup> عوامل گوناگونی در پیدایش و گسترش

رهبانیت مسیحی مؤثر بوده‌اند، در طول تاریخ عده‌ای برای تقرب به خدا، رهایی از آثار گناه، رسیدن به زندگی آرام و دستیابی به سعادت جاودانی، زندگی رهبانی را برگزیده‌اند. هنگامی که در قرون نخست، طوفان آزارهای سخت بر مسیحیان وزیدن گرفت، برخی از ایشان به ریاضت روی آوردند و رهبانیت را شیوه زندگی خود قرار دادند.

دنیاگرایی و غوطه‌ور شدن در مادیات از یک‌سو، و آخرت‌گرایی و زیاده‌روی در معنویات از سوی دیگر، تعادل جامعه را بر هم می‌زند. در واکنش به افراط در دنیاگرایی امپراتوری روم، در جوامع مسیحی دیرهایی پدید آمد. این روند نهادینه شد و رهبانیت و دیرنشینی را به وجود آورد. «دیر» در اصل، واژه‌ای سُریانی و به معنای «مسکن» بوده و سپس به مسکن راهبان اختصاص یافته است. در عربی دیر «صومعه» نیز نامیده می‌شود.

در زمان قسطنطین، مسیحیت دین دولتی شد. بیشتر شهروندان رومی مسیحیت را پذیرفتند. در این زمان، سطح دینداری مردم کاهش یافت و زندگی بسیاری از مسیحیان با تعالیم مسیح و شیوه زندگی او شباهتی نداشت. این دگرگونی اجتماعی، زمینه‌ساز گرایش برخی افراد به رهبانیت شد. برخی نیز برای رهایی از جنگ، درگیری، خدمت سربازی، کارهای طاقت‌فرسا، مالیات و مشکلات خانوادگی، به زندگی رهبانی روی آوردند. علامه شهید مطهری علل تمایل بشر به ریاضت و رهبانیت و تفاوت زهد اسلامی با رهبانیت مسیحی را در برخی از آثار خود بررسی کرده است.<sup>۱۹</sup>

### بیابان‌نشینی، عرفان و رهبانیت

قرآن کریم، از جوانمردانی به نام «اصحاب کهف» یاد می‌کند که برای حفظ ایمان خود، به غاری پناه بردند تا خدای خود را پرستش کنند.<sup>۲۰</sup> این افراد در تاریخ مسیحیت، همان کسانی هستند که در دوران آزار مسیحیان در زمان دسیوس<sup>۲۱</sup> امپراتور روم (۲۰۱-۲۵۱)، برای حفظ ایمان خود به غاری در اطراف شهر افسس<sup>۲۲</sup> پناه بردند و به «هفت خفتگان»<sup>۲۳</sup> شهرت دارند.<sup>۲۴</sup>

در قرون نخست مسیحیت، رهبانیت و بیابان‌نشینی به هم آمیخته بود.<sup>۲۵</sup> در آن هنگام، برخی مسیحیان زندگی در شهرها را رها می‌کردند و به عزلت در بیابان روی می‌آوردند. آنان راهبانی بودند که با ترک شهرهای جهان شرک، در خلوت بیابان زندگی می‌کردند. این گوشه‌نشینان زندگی در تنهایی، همراه با دعا و روزه را بر حضور در اجتماع ترجیح

می دادند. برخی از داستان‌ها و سخنان این راهبان در مجموعه‌ای با عنوان «حکمت مردان صحرا»<sup>۳۶</sup> گرد آمده است. پس از دوره آزار مسیحیان نیز، افرادی بیابان‌نشین را برگزیدند و با استقبال، آن را جایگزین شهادت کردند. آنان پس از مرگ، همچون شهدا مورد احترام قرار گرفتند.<sup>۳۷</sup>

هنگامی که شهرت یکی از راهبان بالا می‌گرفت، مردم برای زیارت وی به صحرا می‌رفتند تا از نصایح و مواعظ وی استفاده کنند. برخی از این زائران، شیوه زندگی آن راهب را برمی‌گزیدند و نزد وی می‌ماندند. بدین‌سان نخستین دسته‌های رهبانی در اطراف دیرهای گوشه‌نشینان به وجود آمد. این دیرها بیشتر در دشت‌ها و دامنه کوه‌ها ساخته می‌شد. تا سال‌ها پس از ظهور اسلام نیز برخی از این دیرها در سرزمین‌های اسلامی وجود داشته است و راهبانی در آنها زندگی می‌کرده‌اند.<sup>۳۸</sup> در جهان اسلام دو نوع راهب وجود داشته است: «رهبان الزنادقه» که بودایی و مانوی بودند و رهبانیت مسیحی که «رهبان النصاری» خوانده می‌شدند.

دیرهای کوه آتوس<sup>۳۹</sup> و دیر کاترینای قدیسه در کوه سینا، نقش مهمی را در زندگی روحانی کلیسای ارتدکس بر عهده داشته‌اند. کوه آتوس در واقع، شبه‌جزیره‌ای در شمال یونان است که بیست دیر مستقل در اطراف آن قرار دارد و حدود ۲۰۰۰ راهب در این دیرها به سر می‌برند. میان خلوت‌نشینان، به ویژه در دیرهای کوه آتوس از قرن چهارم و پنجم، سنتی تأملی، که به آن هزیکاسم<sup>۴۰</sup> (آداب و فنون ذکر) گفته می‌شد، وجود داشت. هزیکاسم از واژه یونانی «هسوکیا»،<sup>۴۱</sup> به معنای «آرامش و آسایش و صلح و صفا» می‌آید. محور ریاضت هزیکاسم، توجه نیروی معنوی به اعماق و اسرار قلب است. برخی از محققان، سنت هزیکاسم را شبیه مراسم ذکر در تصوف دانسته‌اند. گریگوری سینیایی<sup>۴۲</sup> (م. ۱۳۴۷)، در کتاب دستورالعمل‌هایی برای هزیکاست‌ها<sup>۴۳</sup> شرح می‌دهد که چگونه باید دم را فرو برد و از نفس کشیدن دوری کرد تا ذهن پراکنده نگردد، آن‌گاه با توجه عقل به قلب، باید «دعای عیسی» یا «دعای قلب» را این‌گونه تکرار کرد: «خداوندا! ای عیسی مسیح، ای پسر خدا، به من که یک گناهکارم، رحم کن.» این مشهورترین شکل دعای عیسی است.<sup>۴۴</sup> شهرت دعای عیسی، مرهون سایمون معروف به «متأله جدید» است. او یک راهب و عارف بیزانسی بود که در قرن یازدهم به شرح این دعا پرداخت. نهضت دعای عیسی تا

امروز باقی است. به ویژه این دعا در صومعه کوه آتوس قوت دارد. در آنجا راهبانی با هدف دستیابی به آرامش روح و اتحاد با خدا، بی‌وقفه به این دعا و ذکر ذهنی و عقلی مشغول هستند.

### عرفان و رهبانیت زنان

مطالعه تاریخ مسیحیت، ما را با زنانی آشنا می‌کند که در تاریخ کلیسا مؤثر بوده‌اند و حتی نقش رهبری داشته‌اند. زنان نیکوکاری که خانه‌های خود را برای عبادت در اختیار مؤمنان می‌گذاشتند. عهد جدید از پیش‌گویان زن و حتی از رسولان زن سخن می‌گوید.<sup>۳۵</sup> در میان آنان یونیا برجسته است.<sup>۳۶</sup> گروهی از زنان زندگی در انزوا و تنهایی را برمی‌گزیدند و به صورت فردی یا جمعی، راه سیر و سلوک را پیش می‌گرفتند. در میان این گروه، زنانی از همه طبقات جامعه پیدا می‌شد. حتی برخی از روسپیان پس از توبه و ندامت، به رهبانیت روی می‌آوردند. حکایات و داستان‌های این گروه بخشی از ادبیات دینی مسیحیت را تشکیل می‌دهد.<sup>۳۷</sup>

در قرون چهارم و پنجم میلادی، برخی از زنان زاهد مسیحی در گروه‌های رهبانی و در مواردی به صورت فردی زندگی می‌کردند. بیشتر آنان در صحرای مصر، فلسطین و سوریه بودند و به «مادران صحرا» شهرت داشتند. آنچه دربارهٔ این زنان می‌دانیم، اغلب از چهار منبع ذیل گرفته شده است:

الف. سخنان مادران صحرا:<sup>۳۸</sup> در این مجموعه، چهل و هفت گفتار از سه مادر گردآوری شده است که تجربیات، تخیلات و تمثیلات آنان را نشان می‌دهد.

ب. فردوس پدران مقدس:<sup>۳۹</sup> در این کتاب، پالادیوس<sup>۴۰</sup> زندگی راهبان و راهبه‌ها را به نگارش درآورده است. نویسنده در این مجموعه، شرح حال دوازده راهبه را به عنوان نمونه‌های زهد و پاکدامنی جای می‌دهد.

ج. زندگی‌نامه زنان زاهد:<sup>۴۱</sup> این کتاب به زندگی زنان زاهد می‌پردازد و در آن، بیش از صد نامه از جروم (هیرونوموس)<sup>۴۲</sup> دربارهٔ رهبانیت وجود دارد.

د. داستان‌های روسپیان صحرا:<sup>۴۳</sup> این کتاب پیرامون زندگی عبرت‌انگیز و درس‌آموز روسپیان است که توبه کرده و به رهبانیت روی آورده و در گمنامی به سیر و سلوک فردی پرداخته‌اند.

در قرون بعد نیز زنان پارسایی قدم در راه سلوک عرفانی گذاشتند. قدیسه‌هایی مانند کلارا، کاترینای سینیایی و ترزای اویلی در عرفان و ریاضت همپایه مردان بزرگ عصر خود بودند.

### نذر برای رهبانیت

رهبانیت در گسترش مسیحیت تأثیرگذار بوده و «نذر» برای رهبانیت، همواره در میان مسیحیان وجود داشته است. پدران و مادرانی نذر می‌کردند و کودک شیرخوار خود را به دیر می‌سپردند، این نذرشدگان تا پایان عمر می‌بایست در خدمت دیر باشند. بعضی در هفت سالگی یا در سنین بالاتر به دیر سپرده می‌شدند. این نذرها نیابتی و برگشت‌ناپذیر بود تا آنکه پاپ الکساندر سوم در ۱۱۷۹ فرمان داد که کودکان وقتی به سن چهارده سالگی رسیدند، می‌توانند آن را لغو کنند.<sup>۴۴</sup>

### عرفان و پیمان‌های رهبانی

مسیحیت زندگی رهبانی را فرصتی برای دینداری و رهایی از زندگی مادی می‌داند. در این آیین، رهبانیت به خودی خود کمال محسوب نمی‌شود، بلکه وسیله‌ای برای دستیابی به کمال نهایی است. قلب زندگی رهبانی نیایش و رایج‌ترین نیایش ذکر «پروردگارا ترحم فرما»<sup>۴۵</sup> است. در رهبانیت مسیحی خلوت‌نشینی، نیایش، مراقبه، انجام کارهای سخت جسمانی، پوشیدن لباس خاص و خوردن غذای خاص مورد توجه قرار دارد. سه نذر و تعهد اساسی در رهبانیت مطرح بوده است: ۱. تجرد؛ ۲. فقر داوطلبانه؛ ۳. اطاعت. در آیین کاتولیک، سه تعهد یادشده، که اساس حیات دینی گروه‌های مختلف را تشکیل می‌دهد، اندرزهای کمال<sup>۴۶</sup> نامیده می‌شود.

### تجرد

مسیحیت ازدواج را مقدس می‌داند و همچون بسیاری از ادیان، آن را پیوندی الهی به حساب می‌آورد. مسیحیان کاتولیک و ارتدکس، ازدواج را یکی از هفت آیین مقدس می‌شمارند و زندگی زناشویی را مطابق تعالیم حضرت عیسی علیه السلام می‌دانند. حضرت عیسی علیه السلام هیچ‌گاه ازدواج نکرد.<sup>۴۷</sup> با این حال، تجرد حتی برای کشیشان در سه قرن اول میلادی اجباری نبود. در آغاز مسیحیت، تصور می‌شد عیسی به زودی بازمی‌گردد. گروهی در



انتظار این بازگشت قریب‌الوقوع، تجرد را برگزیدند تا برای آن روز سبکبار باشند. در انجیل نیز آمده است که افرادی به خاطر ملکوت خدا،<sup>۴۸</sup> مجرد به سر خواهند برد.<sup>۴۹</sup> در مسیحیت، افرادی که می‌خواستند زندگی خود را با ایمان و معنویت بیشتری همراه سازند، تجرد را شیوه زندگی خود قرار می‌دادند. آنان برای مقاومت در برابر میل جنسی، به تمرین‌هایی مانند روزه و دعا روی می‌آوردند. در قدیم، گاهی راهبان خود را خصی (اخته) می‌کرده‌اند. آنان کار خود را به سخنان عیسی علیه السلام استناد می‌دادند: زیرا که خصی‌ها می‌باشند که از شکم مادر چنین متولد شدند و خصی‌ها هستند که از مردم خصی شده‌اند و خصی‌ها می‌باشند که به جهت ملکوت، خدا خود را خصی نموده‌اند. آنکه توانایی قبول دارد، بپذیرد.<sup>۵۰</sup>

بیشتر حواریون و رسولان، از جمله بطرس، ازدواج کرده بودند، ولی پولس مجرد بود و تجرد را تشویق می‌کرد: «لیکن به مجردین و بیوه‌زنان می‌گویم که ایشان را نیکو است که مثل من بمانند. لیکن اگر پرهیز ندارند، نکاح بکنند؛ زیرا که نکاح از آتش هوس بهتر است.»<sup>۵۱</sup> جروم تجرد و باکرگی را، که از تعهدهای مشترک رهبانیت بود، این‌گونه می‌ستود: «من زناشویی را می‌ستایم؛ زیرا از آن مجردانی به وجود می‌آیند.»<sup>۵۲</sup>

کلیسا از ازدواج روحانی سخن می‌گفت و زندگی رهبانی را از ازدواج مقدس‌تر می‌شمرد. برخی تصور می‌کردند برای کامل شدن ایمان، باید دنیا را ترک گویند و عمر خود را در تحصیل و دعا بگذرانند. این افراد، راهبانی بودند که در مواردی تنها و در مواردی به طور دسته‌جمعی، زندگی می‌کردند. مردان، پسران سلامتی و زنان «دختران سلامتی» نامیده می‌شدند.<sup>۵۳</sup>

تجرد راهبان و روحانیون، یکی از مشکلات کلیسا به شمار می‌رود. این مسئله در مواردی رسوایی‌های اخلاقی را نیز به بار آورده است.

### فقر داوطلبانه

در بعضی از سنت‌های دینی، جهان فقر داوطلبانه وجود دارد. مسیحیت از ابتدا فقر داوطلبانه را ارج نهاد و برای آن ارزش بزرگی قائل شد. حضرت عیسی علیه السلام زندگی زاهدانه‌ای داشت که پارسایان مسیحی آن را سرمشق خود قرار دادند. عیسی مسیح، درباره خود می‌گفت: «مرغان هوا را آشیانه‌هاست، لیکن پسر انسان را جای سر نهادن نیست.»<sup>۵۴</sup>

آن حضرت، در پاسخ به کسی که در جست‌وجوی جاودانگی و کمال بود، پس از سفارش به نگه داشتن احکام الاهی، این‌گونه تعلیم داد: «اگر بخواهی کامل شوی، رفته مایملک خود را بفروش و به فقرا بده که در آسمان گنجی خواهی داشت؛ و آمده مرا متابعت نما.»<sup>۵۵</sup>

در بخش‌های مختلف عهد جدید، از نیازمندان به نیکی یاد شده است. در رسالهٔ یعقوب می‌خوانیم: «ای برادران عزیز! گوش دهید. آیا خدا فقیران این جهان را برنگزیده است تا دولت‌مند در ایمان و وارث آن ملکوتی، که به محبان خود وعده فرموده است، بشوند؟»<sup>۵۶</sup>

### اطاعت

یکی از تعهدات رهبانیت، فرمانبرداری مطلق از مقامات روحانی است. اطاعت کامل راهبان از رئیس دیر، آزمونی است که ساکنان دیر باید به آن تن در دهند. پطرس، که بزرگ‌ترین شاگرد حضرت عیسی علیه السلام بود، به وی گفت: «اینک ما همه چیزها را ترک کرده، تو را متابعت می‌کنیم.»<sup>۵۷</sup>

در منابع رهبانی آمده است که رئیس دیری، به راهب نوآموزی گفت. تا در کوره مشتعلی در آید و او اطاعت کرد. شعله به کنار رفت و نوآموز از آن گذشت. از راهب دیگری خواسته شد که عصای رئیس دیر را مانند نهالی بکارد و چندان آب دهد تا گل برآرد، راهب سه سال هر روز فاصله سه کیلومتری دیر را تا رود نیل می‌پیمود تا آب بیاورد و بر پای عصا ریزد! گفته می‌شود سرانجام خداوند بر وی رحمت آورد و عصا گل کرد.<sup>۵۸</sup>

### انحراف در رهبانیت

رهبانیت در ابتدا، جنبشی خودجوش و بیرون از سازمان کلیسا بود. این جنبش، بر زهد، فقر، قداست و طهارت پایه‌گذاری شد. راهبان مسیحی، خدمات بسیاری انجام دادند. گروهی از آنان کشاورزان ماهری بودند و برخی علم را زنده نگه می‌داشتند. آنان فضیلت را با پرهیز از گناه تحصیل می‌کردند و جز به تجویز شرع، چیزی نمی‌خواندند.<sup>۵۹</sup> به تدریج رهبانیت از زندگی عیسی علیه السلام و حواریون وی دور شد. راهبان از صفا و خلوص رهبران قدیم طریقت منحرف شدند. فرقه‌های رهبانی در آغاز، با تقلید از ساده‌زیستی و خاکساری حواریون، به تجرد، گوشه‌نشینی، دعا و روزه روی آوردند. اما اندک اندک روحیات آنان

تغییر کرد و خود تهدیدی شدند برای کسانی که از فساد کلیسا و کشیشان به ستوه آمده بودند. تا جایی که پاپ گریگوری اول (۵۹۰-۶۰۴) می‌کوشید تا انضباط را در دیرها برقرار کند.

رهبانیت به خدمت دنیاطلبی کلیسای رم درآمد. راهبان در مبارزه با مخالفان خویش، به حربه تکفیر و تفتیش دست زدند. محکمه‌های تفتیش عقاید، میدان فعالیت بعضی از راهبان شد. هر سخن و عقیده‌ای که به منافع کلیسا زیان می‌زد، چوب تکفیر می‌خورد و گوینده آن به آتش و شکنجه محکوم می‌شد. در سال ۱۴۸۲، پاپ سیکستوس چهارم، راهب دومینیکن و الاهدان مشهور توماس دوتورک‌مادا (۱۴۹۸-۱۴۲۰) را در رأس دادگاه تفتیش عقاید اسپانیا قرار داد. به آتش سپردن بیش از ۲۰۰۰ نفر و محکوم کردن هزاران نفر به زندان، شکنجه و مصادره اموال، از جمله مجازات‌هایی است که به او نسبت می‌دهند. فساد اخلاق در میان جوامع رهبانی، تا آنجا گسترش یافته بود که راهبی از فرقه دومینیکن‌ها به نام جان برومیار،<sup>۶۰</sup> درباره هم‌مسلمان خویش می‌گوید: «آنان که بایستی بینوایان و فقرا را پدر باشند... بر غذاهای لذیذ حریص شده‌اند و از خواب نوشین تلذذ می‌جویند... همه‌شان در شکمبارگی و باده‌خواری غرق شده‌اند.»<sup>۶۱</sup>

یوهانس تریتمیوس (۱۵۱۶-۱۴۶۲)، رئیس دیر شیپونهایم<sup>۶۲</sup> نیز گروهی از راهبان را چنین توصیف می‌کند:

آنان به میثاق‌های سه‌گانه رهبانی... چندان بی‌اعتنایی می‌کنند که گویی هرگز برای حفظ آنها سوگند نخورده‌اند... تمام روز را به زشت‌گویی و یاوه‌سرایی می‌گذرانند و همه وقتشان را وقف بازی و شکمبارگی کرده‌اند... با تصرف علنی، املاک خصوصی مردم... هریک در خانه شخصی خود به سر می‌برند... از خداوند ابدان نمی‌ترسند و به او محبتی ندارند. به زندگی پس از مرگ معتقد نیستند و شهوات جسمانی را بر نیازهای روحانی ترجیح می‌دهند... میثاق فقر را خوار می‌دارند. از عفت و پاکدامنی به دورند و اطاعت و فرمانبرداری را مسخره می‌کنند... دود گناهان و هرزگی‌های آنان همه جا را فرا گرفته است.<sup>۶۳</sup>

گی‌ژونو<sup>۶۴</sup> مشاور پاپ، که برای اصلاح صومعه‌های بندیکتی به فرانسه رفته بود، چنین گزارش داد:

بسیاری از راهبان قمار می‌بازند. لب به لعن و نفرین می‌آیند. در قهوه‌خانه‌ها می‌لولند. قداره می‌بندند. مال می‌اندوزند. زنا می‌کنند. چون باده‌خواران عیاش زندگی می‌گذرانند و

آن قدر در فکر دنیا فرو رفته‌اند که کلمه «دنیاپرست»، دنیادوستی آنان را نمی‌رساند. اگر من بخواهم همه آنچه را که با چشم دیده‌ام، بیان کنم، سخن سخت به درازا خواهد کشید.<sup>۶۵</sup>

گیبون دربارهٔ عهد فقر و فرمانبرداری و تجرد راهبان می‌گوید: «در جایی اعتراف یک پیر دیر بندیکتی را چنین شنیده یا خوانده‌ام: عهد فقر من سالی صد هزار کرون برایم درآمد داشته، و عهد اطاعت مرا به مرتبه امیری فرمانروا رسانده است. نتیجه عهد تجرد او را من فراموش کرده‌ام.»<sup>۶۶</sup>

سخن پیرامون لغزش‌های راهبان را با کلام برتراند راسل به پایان می‌بریم: «مال و منالی که از محل صدقات مؤمنین به دست گروه‌های رهبانی و روحانیان می‌رسید، آنان را فاسد می‌ساخت. لکن هر بار که فساد به حد شیاع می‌رسید، مصلحین به اصلاح آن برمی‌خاستند و اخلاق در آن جماعت جانی تازه می‌گرفت.»<sup>۶۷</sup>

### عرفان، رهبانیت و اصلاحات

برخورد پروتستان‌ها با رهبانیت برخورداردی احتیاط‌آمیز است. برخی از آنان از رهبانیت خشنود نیستند و تصور می‌کنند که رهبانیت می‌تواند گونه‌ای شانه‌خالی کردن از زیر بار مسئولیت‌های زندگی مسیحی در اجتماع باشد. متفکرانی مانند رابن‌هولد نیبور<sup>۶۸</sup> (م. ۱۹۷۱)، رهبانیت را انحراف از رسالت انجیلی می‌دانند. در برابر گروه نخست، کسانی مانند نیکلای بردیایف<sup>۶۹</sup> (۱۸۷۴-۱۹۴۸) تجربه رهبانیت را نه تنها ناپسند نمی‌دانند، بلکه آن را جوهر مسیحیت می‌شمارند و بر آن مهر تأیید می‌زنند.

صوفیانی مانند جاکوب بومه<sup>۷۰</sup> (م. ۱۶۲۴)، از کلیسای لوتری مدعی شد که دارای معرفت صوفیانه‌ای است که مستقیماً از تجربه الهی سرچشمه می‌گیرد. به عبارت دیگر، هرچه می‌نویسد و بیان می‌کند، از نوری الهی برمی‌خیزد که بر او افاضه می‌شود. علاوه بر این، کسانی به نام آرامشیان (پیروان آرامش روحی)، توسل به هر کوشش بشری را منع کردند و معتقد شدند بر مؤمن فرض است که در صبر و انتظار بماند و بگذارد که خدا خود عمل کند. برخی از پیروان این طریقت «انجمن دوستان»<sup>۷۱</sup> تشکیل دادند و به «فرندز»<sup>۷۲</sup> یا «کویکرها» معروف شدند.

حرکت پروتستانی دیگری به نام «پارسایی»<sup>۷۳</sup> در قرن هفدهم درون کلیسای لوتری آلمان پدید آمد. اعضای این حرکت احساس می‌کردند که کلیسای آنان، در شرح عقائد و

گسترش امور مربوط به ایمان، به اندازه‌ای برای عقل اهمیت قائل شده که اعمال دینی تقریباً از ایمان زنده و فعال تهی گردیده است. بر این اساس، افراد یادشده جلسات پرهیزکارانه چندی برای دعا و قرائت کتاب مقدس بر پا کردند و برخوردارگی همه مسیحیان از امتیاز کشیشی را مورد تأکید قرار دادند.

در قرن هجدهم، حرکتی مشابه حرکت پارسایی، به نام «متدیسم»، در انگلستان به رهبری جان وزلی<sup>۷۴</sup> (م. ۱۷۸۸) پدید آمد. وی در سال ۱۷۳۸ تصمیم گرفت عمر خود را برای برانگیختن «دیانت عملی» و برای آنکه به کمک و فیض الاهی، حیات خدا را در نفوس بشر منتشر کرده، صیانت نمود. و رشد دهد، وقف کند. این حرکت، به عنوان کلیسای «متدیست» شناخته می‌شود.

در قرن نوزدهم، کسانی در ایالات متحده آمریکا در مقابل تعمیم با آب، معتقد به تعمیم در روح القدس شدند. آنان بر اموری از قبیل: سخن گفتن به زبان‌های گوناگون، پیش‌گویی، شفا دادن بیماران و بیرون کردن دیوها تأکید ورزیدند. شعائر این گروه، که پنطیکاستال<sup>۷۵</sup> نامیده شدند، بسیار ساده و طبیعی و توأم با پرهیزکاری فراوان بود.

زنده شدن عرفان در برخی مناطق، به ویژه اسپانیا نیز یکی از نتایج اصلاح کاتولیکی بود. قدیسانی همچون ایگناتیوس لویولا (م. ۱۵۵۶)، تیرزای آویلی<sup>۷۶</sup> (م. ۱۵۸۲) و یوحنا صلیب<sup>۷۷</sup> (م. ۱۵۹۱)، برای اصلاح در کلیسای کاتولیک تلاش می‌کردند. نوشته‌های عرفانی آنان از مهم‌ترین آثار است که سنت مسیحی در این زمینه می‌شناسد.

### عارفان و راهبان نام‌آور

هرچند همه مسیحیان به رهبانیت روی نیاوردند، اما بسیاری از آنان بر این باورند که عرفان بخشی از زندگی هر مسیحی حقیقی است. سرمشق مسیحیان در پارسایی همواره زندگی و سخنان حضرت عیسی علیه السلام بوده است. عرفان آن حضرت، در بخشی از موعظه روی کوه دیده می‌شود و لزوم عمل به تورات در آن قید شده است.<sup>۷۸</sup> مسیحیان برای زندگی عارفانه، به انجیل یوحنا نیز استناد می‌کنند.

بزرگان آنان را در زمره قدیسان قرار داده، نوشته‌های آنان را مطالعه می‌کنند و شیوه زندگی ایشان را الگوی خود قرار می‌دهند. تاریخ مسیحیت، عارفان و راهبان فراوانی داشته است.

### آنتونی

آنتونی<sup>۷۹</sup> (۳۵۶-۲۵۱) در یک خانواده مسیحی ثروتمند به دنیا آمد. یک روز هنگامی که او پا به کلیسا گذاشت، سخن عیسی ﷺ خطاب به مرد ثروتمند خوانده می‌شد: «اگر بخواهی کامل شوی، رفته، مایملک خود را بفروش و به فقرا بده که در آسمان گنجی خواهی داشت و آمده، مرا متابعت نما.»<sup>۸۰</sup>

آنتونی بی‌درنگ کلیسا را ترک کرد و همه اموال و املاک خود را به نیازمندان داد. اندکی از آن را برای خواهرش نگه داشت. دیگر بار، هنگامی که شنید عیسی ﷺ در انجیل می‌گوید: «در اندیشه فردا مباشید»<sup>۸۱</sup> از کلیسا خارج شد و آن اندک را نیز به نیازمندان داد. وی از پیشگامان رهبانیت انفرادی در مصر بود. مدتی پس از وی، زندگی‌نامه او در اثری به نام *زندگی آنتونی* به نگارش درآمد.

### پاکومیوس

پاکومیوس<sup>۸۲</sup> (۳۴۶-۲۹۲) در اسنای مصر، در خانواده‌ای بت‌پرست به دنیا آمد. بیش از بیست سال داشت که مسیحی شد. پاکومیوس نخستین کسی بود که برای سازماندهی زندگی رهبانی گروهی، آیین‌نامه‌ای به شدت انضباطی تنظیم کرد. دسته‌جمعی غذا خوردن راهبان از تعالیم اوست. پاکومیوس، نه دیر بنا کرد که در هریک از آنها، صد راهب مشغول عبادت بودند. این راهبان، با اهدافی مشترک و به صورت جمعی زندگی می‌کردند و با دسترنج خود زندگی را می‌گذراندند. گروه آنان تا قرن یازدهم به حیات خود ادامه داد.

### باسیل

باسیل (۳۲۹-۳۷۹)، یکی از اسقفان کلیسا بود که معیارهای رهبانیت را در آیین‌نامه‌ای گرد آورد.<sup>۸۳</sup> راهبان کلیساهای شرقی، هنوز از این آیین‌نامه پیروی می‌کنند. باسیل در آیین‌نامه خود درباره حیات انفرادی و حیات جمعی، در زندگی رهبانی بحث کرده است. او شیوه دوم را ترجیح می‌دهد و می‌گوید: «مهم‌ترین خطر زندگی انفرادی خودخواهی است؛ زیرا فردی که کسی را ندارد تا کارهای او را بیازماید، به آسانی معتقد می‌شود که وی به طور کامل احکام را انجام داده است. مثلاً، انسان چگونه می‌تواند تواضع خود را ظاهر سازد، اگر کسی یافت نشود که در برابر او تواضع کند؟»<sup>۸۴</sup>

دیرهای باسیلی در همه مناطق بیابانی سوریه، شمال جزیره العرب و مناطق کم جمعیت آناتولی و یونان پراکنده بودند. در این دیرها، مسافرانی که در بیابان راه گم کرده یا برای فرار از ظلم و ستم و رهایی از مشکلات به آنجا پناه می آوردند، پذیرایی می شدند.

### جروم

جروم (هیرونوموس) (۳۴۰-۴۲۰) در ایتالیا به دنیا آمد. در رم تحصیل کرد. وی در نوزده سالگی تعمیم گرفت. پس از مدتی، زندگی زاهدانه را برگزید. در شیوه زندگی زاهدانه جروم، که «طریقه کمال» نامیده می شد، لازم نبود کسی به صحرا برود. کسب فضایل، انکار خویشتن، مجرد اختیاری و فقر در شهر محل اقامت و حتی در خانه نیز ممکن بود. جروم، مجرد و باکرگی را، که از تعهدهای مشترک رهبانیت بود، این گونه می ستود: «من زناشویی را می ستایم؛ زیرا از آن مجردانی به وجود می آیند.»<sup>۸۵</sup>

او در نامه ای خطاب به یک راهبه می نویسد: «از شراب مانند زهر پرهیز کن... اندرون خالی از طعام و جگر سوخته برای حفظ عفت ضروری است... همنشینان تو زنانی باشند که از روزه رنگشان پریده و جسمشان تکیده است. کمتر از خانه بیرون برو... اموالت را رد کن؛ آنها دیگر مال تو نیستند.»<sup>۸۶</sup>

جروم پس از رسیدن به مقام کشیشی به دبیری پاپ داماسوس (۳۶۶-۳۸۴) انتخاب شد. وی در دربار پاپ همچنان زاهدانه زندگی می کرد و لباس راهبان را می پوشید. جروم از اینکه می دید برخی از مسیحیان با تظاهر به زهد و ریاضت، تلاش می کنند هرزگی های خود را بپوشانند، خشمگین می شد. وی ازدواج کشیشان را محکوم می کرد و از لزوم مجرد آنان سخن می گفت. پس از مرگ پاپ داماسوس، جروم شغل دبیری پاپ را از دست داد. او در بیت لحم صومعه ای ساخت و سی و چهار سال پایانی عمر خود را در آنجا زیست.

### بندیکت

قدیم ترین تحقیق درباره زندگی بندیکت<sup>۸۷</sup> (ح. ۴۸۰-۵۴۳)، کتاب *گفت و گوها*<sup>۸۸</sup> اثر پاپ گریگوری کبیر (۵۹۰-۶۰۴) است که با هدف تهذیب اخلاق نوشته شده است. این اثر، خالی از افسانه نیست. رهبانیت و دستگاه پاپ نفوذ عمیق خود را مدیون بندیکت و گریگوری هستند. بندیکت در جوانی با پناه بردن به غاری، دست از همه چیز زندگی

کشید. آوازه پارسایی وی دیرنشینانی را بر آن داشت که از وی بخواهند اداره دیرشان را بر عهده گیرد. او پاسخ مثبت داد. اما آنان تحمل ریاضت‌ها و سخت‌گیری‌های شدید وی را نداشتند. بندیکت به غاری که به آن پناه برده بود، بازگشت. تا سال ۵۲۰ دوازده دیر کوچک، هر کدام با دوازده راهب در اطراف غار وی بر پا شد. بندیکت، پس از خراب کردن معبد آپولو بر تپه مونت کاسینو<sup>۹۹</sup> در رم، صومعه‌ای به جای آن ساخت که محل اصلی رهبانیت بندیکتی شد.

### دومینیک

دومینیک<sup>۹۰</sup> (۱۱۷۰-۱۲۲۱)، بنیان‌گذار نظام رهبانی واعظان سائل است که معمولاً آنان را دومینیک می‌نامند. دومینیک در یکی از توابع کاستیل اسپانیا و در خانواده‌ای معمولی به دنیا آمد. وی به گشاده‌دستی معروف بود. در یک قحطی، دارایی خود را داد و حتی کتاب‌های گران‌بهایش را برای کمک به نیازمندان فروخت. دومینیک نظام رهبانی خود را بر پایه آموزش بهتر و تشکل بیشتر قرار داد. وی برای مبارزه با بدعت‌های رایج، شیوه موعظه، تعلیم و ساده‌زیستی را از زندگی زاهدانه و فقیرانه رسولان عیسی ﷺ برگزید.

### فرانسیس

فرانسیس (۱۱۸۲-۱۲۲۶)، در اسیزی<sup>۹۱</sup> ایتالیا و در خانواده‌ای مرفه به دنیا آمد. وی با ترک خانواده‌اش زندگی خود را وقف امور معنوی کرد. فرانسیس فقر را فضیلتی آسمانی می‌دانست که با آن می‌توان امور زودگذر دنیوی را زیر پا گذاشت و موانع را از سر راه برداشت و خود را به خدای ابدی پیوند داد. وی می‌خواست ظاهر و باطن زندگی‌اش یکسان باشد. وی فروتنی کامل و محبت فراگیر را دو ستون زندگی خود قرار داد و برای دانش‌های غیردینی ارزشی قایل نبود. نیایش‌هایی از فرانسیس به یادگار مانده است.

فرانسیس با چهل روز نیایش و روزه‌داری، از خدا خواست بهترین راه خشنودی خود را به وی نشان دهد. وی می‌پنداشت که در ۲۵ سالگی مسیح را در یک رؤیا دیده و از سوی او مأمور «بازسازی کلیسای فروپاشیده» شده است.<sup>۹۲</sup> فرانسیس در حدود چهل سالگی از رهبری فرقه فرانسیسکن‌ها کناره‌گیری کرد و مانند راهبی معمولی به گوشه عبادت خزید. وی در چهل و پنج سالگی، در حالی که حدود ۵۰۰۰ پیرو داشت، چشم از



جهان فرو بست. دو سال بعد، کلیسا وی را قدیس اعلام کرد. چهارم اکتبر روز بزرگداشت فرانسویس/سیزی است.

### برتولد و آلبرت ورسلی

جنگجویی صلیبی در سال ۱۱۵۴ به نام برتولد<sup>۹۳</sup> از فرانسه، نظام رهبانی کرملی را با عنوان «بانوی ما از کوه کرمل»<sup>۹۴</sup> بنیان‌گذاری کرد. آیین‌نامه و دستورالعمل این گروه را پاتریارک کاتولیکی اورشلیم آلبرت ورسلی<sup>۹۵</sup> به شکل یک نامه نوشت. در سال ۱۲۲۶ پاپ هونوریوس سوم این آیین‌نامه را تأیید کرد.

### ایگناتیوس لویولا

ایگناتیوس (۱۴۹۱-۱۵۵۶)، در قلعه لویولا در ناحیه باسک اسپانیا، در خانواده‌ای سرشناس زاده شد. وی با امور درباری و سپاهی‌گری سر و کار پیدا کرد و دوران جوانی او از بی‌بندوباری و خشونت خالی نبود. ایگناتیوس در نبرد با فرانسوی‌ها مجروح شد. همین امر زندگی وی را تغییر داد. وی پس از مطالعه زندگی مسیح و قدیسان، با خدای خویش عهد بست عمر خود را در تجرد و فقر سپری کند. ایگناتیوس جنگ مسیحیت با اسلام را شریف‌ترین جنگ تاریخ می‌پنداشت.<sup>۹۶</sup> ایگناتیوس از توجهی که زمانی به حفظ ظاهر خود داشت، پشیمان شد. از آن پس، پاکیزگی موی سر، گرفتن ناخن، شست‌وشوی سر و صورت و استحمام را ترک کرد. وی غذای خود را از راه‌گدایی به دست می‌آورد، گوشت نمی‌خورد، روزه می‌گرفت و روزی سه بار خود را تازیانه می‌زد.

موضوع اساسی و محوری در حیات روحانی ایگناتیوس، خلوت‌نشینی بود که آن را به عنوان یک برنامه ارائه داد. خلوت‌نشینی در طول یک ماه، مراحل چهارگانه‌ای را انجام می‌دهد. هر مرحله حدود یک هفته طول می‌کشد:

۱. تأمل پیرامون واقعیت گناه و جهنم و اعتراف به گناهان خود؛
  ۲. تفکر درباره زندگی عیسی مسیح صلی الله علیه و آله و ملکوت وی؛
  ۳. تدبیر پیرامون رنج‌ها و مصائب مسیح صلی الله علیه و آله هنگام دستگیری و مصلوب شدن؛
  ۴. تعمق درباره رستاخیز عیسی مسیح از مردگان.
- تجربه‌های خلوت‌نشینی، همراه قوانینی برای تفکر در رساله ریاضت‌های روحی،<sup>۹۷</sup> تألیف ایگناتیوس آمده است. در بند سیزدهم از قوانین هجده‌گانه آن چنین می‌خوانیم:

اگر می‌خواهیم مطمئن شویم که در هر چیز بر حق هستیم، باید برای پذیرفتن این اصل همیشه آماده باشیم: من باور خواهم کرد رنگ سفیدی که می‌بینم، سیاه است، هرگاه کلیسای سلسله مراتبی آن را چنین تعریف کند...؛ زیرا همان روح و خداوند که ده فرمان را به ما داد، کلیسای مادر مقدس ما را راهنمایی و بر آن حکومت می‌کند.

پاپ گریگوری پانزدهم (۱۶۲۱-۱۶۲۳)، وی را قدیس اعلام کرد. راهبان ژزوئیت<sup>۹۸</sup> او را به عنوان حامی گوشه‌نشینان گرامی می‌دارند و یادبودش را در ۳۱ ژوئیه برگزار می‌کنند.

### ونسان دوپل

بنیان‌گذار نظام رهبانی و جماعت تبلیغی، لازاری، کشیش فرانسوی ونسان دوپل<sup>۹۹</sup> (۱۵۸۱-۱۶۶۰) است. گفته می‌شود او را در سال ۱۶۰۶ ربودند و در تونس به بردگی فروختند. وی پس از چند ماه فرار کرد و به فرانسه بازگشت. ونسان بیست سال از عمر خود را به عنوان کشیش بخش و مسئول امور دینی یک خانواده اشرافی سپری کرد. وی در سال ۱۶۱۷ نخستین انجمن خیریه خود را با کمک زنان ثروتمندی که برای کمک به بیماران و بینوایان می‌کوشیدند، در نزدیکی لیون تأسیس کرد. در سال ۱۶۲۲، از سوی اسقف اعظم فرانسه، مأمور عالی‌رتبه صومعه‌های پارسیسی نظام رهبانی دیدار مریم مقدس شد. ونسان در سال ۱۶۳۲، یک گروه تبلیغی برای موعظه روستائیان کشاورز پدید آورد.

### ترزای اویلی

ترزای (۱۵۱۵-۱۵۸۲)، در اویلای اسپانیا دیده به جهان گشود. هنگامی که دختری نوجوان بود، پدرش هر شب بخشی از زندگی قدیسان را برای او می‌خواند. ترزای بیست سال داشت که به صومعه کرملی‌ها پیوست. بیست و هشت سال در آنجا ماند.

ترزای تجارب عرفانی زندگی خود را به نگارش درآورد. «راه کمال»<sup>۱۰۰</sup> و «قلعه درونی»<sup>۱۰۱</sup> با موضوع دعا و پارسایی عرفانی از آثار اوست. «قلعه درونی» تصویری از روان انسان است که در آن هفت خانه وجود دارد و در مرکز آن مسیح ﷺ قرار گرفته است. هدف پشت سر نهادن هفت خانه و رسیدن به خداست که فرد در هفت مرحله آن را می‌پیماید:

۱. دروازه دعا راه ورود به قلعه است. با دعا و انجام کارهای نیک انسان به بیرونی‌ترین خانه راه می‌یابد؛
۲. خانه دوم برای کسانی است که در دعا جدیت و مداومت دارند و با گناه مبارزه می‌کنند؛

۳. خودداری از هر گناه، اگرچه کوچک باشد، انسان را وارد سومین خانه می‌کند؛
  ۴. این مرحله با «دعای افاضه‌شده»، که فیضی الاهی است و نفس آن را می‌پذیرد، آغاز می‌شود؛
  ۵. در این مرحله، همه وظایف بر خدا تمرکز می‌یابند و «دعای اتحاد بسیط» آغاز می‌گردد؛
  ۶. آغاز این مرحله با «دعای اتحاد در انجذاب» است که اغلب با مکاشفه همراه می‌شود؛
  ۷. در مرحله نهایی، همه پدیده‌ها از بین می‌روند و تنها ازدواج روحانی باقی می‌ماند.
- ترززا دربارهٔ معرفت نفس می‌نویسد:

خودشناسی چنان مهم است که من در این باره هرگز نمی‌خواهم هیچ‌گونه سستی روا دارید، هر قدر هم به آسمان‌ها بالا رفته باشید. تا موقعی که ما روی این زمین هستیم، برای ما چیزی مهم‌تر از تواضع نیست. بنابراین، تکرار می‌کنم که خوب است، واقعاً بسیار خوب است، بکوشیم ابتدا به جای پرواز به اتاق‌های دیگر، به اتاقی وارد شویم که در آن به خودشناسی پرداخته می‌شود. راه راست این است. و اگر ما بتوانیم در مسیری ایمن و هموار سفر کنیم، چرا برای پرواز بال بخواهیم؟ بلکه بیایید بکوشیم تا در خودشناسی بیشتر پیشرفت کنیم؛ زیرا به عقیدهٔ من، اگر برای شناخت خدا نکوشیم، هرگز به طور کامل خود را نخواهیم شناخت. با خیره شدن در شکوه او، بی‌مقداری خود را لمس می‌کنیم. با نگرستن به پاکی او، آلودگی خود را خواهیم دید؛ با اندیشیدن در فروتنی او، خواهیم دید چقدر از فروتنی دور هستیم...<sup>۱۲</sup>

ترزای اویلی مشهورترین گروه رهبانی کرملی‌های پابره‌نه را در قرن شانزدهم به وجود آورد. ترزا صومعه‌ای ترتیب داد که در آن آیین‌نامه نخستین کرملی‌ها اجرا می‌شد. مقام‌های کلیسا و رهبانیت کرملی، در ابتدا با ترزا مخالفت کردند. ترزا اجازه تأسیس صومعه‌های اصلاح‌شده کرملی را برای مردان نیز به دست آورد. این صومعه‌ها به زودی در سراسر اسپانیا و سرانجام، در جاهای مختلف جهان گشایش یافت. پاپ در سال ۱۶۱۴ ترزا را قدیسه اعلام کرد. هشت سال بعد به عنوان قدیسه حامی اسپانیا معرفی شد.

### یوحنا صلیب

یوحنا صلیب (۱۵۴۲-۱۵۹۱)، در فونتیوروس<sup>۱۳</sup> اسپانیا به دنیا آمد. او در بیست و یک‌سالگی به فرقه کرملی وارد. پس از چهار سال به کشیشی منصوب شد. کرملی‌های پاپوش‌دار، که با یوحنا مخالف بودند، نه ماه او را در صومعه‌ای زندانی کردند. اشعار یوحنا

مورد استقبال قرار گرفت و هسته میراث عرفانی او را تشکیل داد. وی پس از گریختن از زندان، برای یک دوره دوازده ساله مدیریت داخلی نظام رهبانی اصلاح شده کرمی‌های پابره‌نه را عهده‌دار شد.

یوحنا صلیب خدای متعال را برتر از آن می‌دانست که به گونه‌ای ادراک یا حس یا تخیل شود. بر این باور بود که معرفت خدا تنها از طریق محبت خالص امکان‌پذیر است. مهم‌ترین آثار وی را صعود به کوه کرمل، سرود معنوی، شب ظلمانی (شعر) و شعله زنده عشق (شعر) شمرده‌اند. یوحنا صلیب در چهل و نه سالگی درگذشت. وی در ۱۶۷۵ مبارک و در ۱۷۲۶ قدیس اعلام شد.

### عرفان و نظام‌های رهبانی

نظام‌های رهبانی در تاریخ مسیحیت همواره بر عرفان عملی تأکید کرده‌اند. این نظام‌ها را می‌توان با سلسله‌های تصوف در جهان اسلام مقایسه کرد. برخی از مهم‌ترین نظام‌های رهبانی بدین شرح است:

#### بندیکتین‌ها

بندیکتین‌ها راهبان و راهبه‌هایی هستند که از آیین‌نامه بندیکت<sup>۱۰۴</sup> پیروی می‌کنند. آیین‌نامه بندیکت، بر «اطاعت قلبی» تکیه می‌کند و راهب را کسی می‌داند که کاملاً مطیع مسیح باشد و از رئیس دیر و قانون حاکم بر آن پیروی کند. از آنجا که این آیین‌نامه از میانه‌روی برخوردار بود، بسیاری از دیرهای دیگر نیز آن را پذیرفتند. این اثر یک مقدمه و ۷۳ فصل دارد.<sup>۱۰۵</sup>

رهبانیت بندیکتی، یک نظام رهبانی متمرکز و متشکل نیست. دیرهای بندیکتی، جوامع مستقلی هستند که تنها پیروی از آیین‌نامه بندیکت آنها را به هم پیوند می‌دهد. نظام بندیکتی، سنت‌های رهبانی قدیم را با روح نظامی‌گری رومی جمع کرد. این نظام، اعضای خود را به اقامت در یک مکان، به اطاعت از رئیس صومعه،<sup>۱۰۶</sup> و به نفی دارایی‌ها و امتناع از ازدواج ملزم می‌کند. یکی از شعارهای رهبانیت بندیکتی، عبارت «دعا کن و کار کن» است. راهبان برای زندگی روزانه، برنامه‌ای با محوریت قرائت مزامیر دارند.<sup>۱۰۷</sup>

راهبان اغلب به کارهای دستی اشتغال داشتند. آنان در آغاز کشاورزی می‌کردند. اما در قرون وسطا بیشتر به نسخه‌برداری از دست‌نوشته‌ها پرداختند. با ضعف امپراتوری روم، راهبان دیرهای بندیکتی مسئولیت حفظ علوم، ادبیات و معارف فلسفی و الهی را بر عهده

گرفتند. با این عمل، بسیاری از شهرهای بزرگ اروپا در کنار دیرهای بندیکتی تأسیس شدند و شمار بزرگی از مراکز علمی مهم، کار خود را از مدارس رهبانی آغاز کردند. پاپ گریگوری کبیر (۵۹۰-۶۰۴)، با تشویق به رهبانیت، بندیکت را به عنوان پدر نمونه راهبان معرفی کرد. او در کتاب *قاعده شبانی* نوشت: «فرمان دادن از بالاترین مقام آن‌گاه نیکوست که انسان بیش از آنکه در صدد تسلط بر برادران خود باشد، در صدد تسلط بر رذائل خود باشد.»<sup>۱۰۸</sup>

غیرت تبلیغی راهبان و حمایت پاپ از آنان، سبب گسترش رهبانیت بندیکتی شد. حدود هفت قرن این نظام رهبانی دارای بیشترین نفوذ و اهمیت در رهبانیت کاتولیک بود.

### سیسترسین‌ها

عنوان سیسترسین،<sup>۱۰۹</sup> از سیسترسیوم،<sup>۱۱۰</sup> نام قدیمی شهر سیتو<sup>۱۱۱</sup> در فرانسه می‌آید. این نظام رهبانی، در اواخر قرن یازدهم به وسیله قدیس روبر<sup>۱۱۲</sup> به وجود آمد. وی ریاست چند صومعه بندیکتی را بر عهده داشت.

سیسترسین، یک نظام اصلاحی رهبانی است که با هدف رعایت کامل آیین‌نامه بندیکت پدید آمد. در میان پیروان این جمعیت جدید، اصول بندیکتین‌ها، با همان شدتی که در آغاز داشت، دوباره رواج یافت. فقر مطلق ضروری بود. از خوردن هر نوع گوشتی خودداری می‌شد. سرودن شعر ممنوع بود و علم‌آموزی تشویق نمی‌شد. پیروان این گروه، مکلف بودند از پوشیدن لباس‌های مجلل، استفاده از ظروف گرانبها و حضور در مکان‌های لوکس خودداری کنند. راهبان این نظام، موظف بودند با کارهای دستی و باغبانی دیر را از دنیای خارج از آن بی‌نیاز کنند تا نیازی به خروج آنان از دیر نباشد.

قدیس برنارد<sup>۱۱۳</sup> (۱۰۹۱-۱۱۵۳)، دومین مؤسس این نظام به حساب می‌آید. برنارد در بیست و دو سالگی به سیسترسین‌ها پیوست. او صومعه‌ای را احداث کرد که بنای آن از چوب بود. جای خواب هر فرد جعبه‌ای چوبی بود که آن را با برگ درختان مفروش کرده بودند. کف دیر از خاک پوشیده و پنجره‌های آن در نهایت، به بزرگی سر انسان بود. خوراک این راهبان از رستنی‌ها بود. در سفره آنان، نان گندم و ادویه دیده نمی‌شد. صومعه مجاز به خرید ملک نبود، ولی می‌توانست صاحب چیزی باشد که کسی به دیر ببخشد.

برنارد آموزه‌های خود را در کتاب *کوچک محبت خدا*<sup>۱۱۴</sup> ثبت کرد. کتاب *سرودهای*

روحانی<sup>۱۱۵</sup> مجموعه ۸۶ موعظه اوست. برنارد با انتقاد از استادان و شاگردان مدارس پاریس می‌گفت: «شما چندان که در جنگل‌ها خواهید یافت، در کتاب‌ها نخواهید یافت. درخت و سنگ، بیش از هر استادی شما را خواهد آموخت.»<sup>۱۱۶</sup>

وی به برخی دیرها، که هزینه‌های فراوانی را صرف معماری و تزیین کلیساهای خود می‌کردند، انتقاد داشت. وی هیچ‌گاه حاضر نشد مقامی بالاتر از ریاست صومعه را بپذیرد، ولی اشخاصی را به مقام پاپی می‌رساند یا از آن مقام عزل می‌کرد. برنارد مدت سی‌وهشت سال، در حجره کوچکی که دارای بستری از کاه بود، زندگی کرد. وی از یک‌سو، در گسترش صومعه‌های سیسترسین و از سوی دیگر، در شعله‌ور ساختن دومین جنگ صلیبی، که به شکست مسیحیان انجامید، نقشی بسزا داشت.

### تراپیست‌ها

در قرن هفدهم برای اصلاح رهبانیت سیسترسین در فرانسه، نهضتی به وجود آمد که راهبان و راهبه‌های آن نظام رهبانی را به ترتیب، تراپیست و تراپیستین<sup>۱۱۷</sup> نامیدند. زندگی روزانه این راهبان، نماز و دعا، مطالعه و کارهای دستی است. آنان در سکوت مطلق غذا می‌خورند و کار و استراحت می‌کنند. تراپیست‌ها گیاه‌خوارند و از خوردن گوشت، ماهی و تخم مرغ خودداری می‌کنند.

انقلاب فرانسه سبب شد که تراپیست‌ها آن کشور را ترک کنند. به سوئیس و آلمان بروند. آنان در اوائل قرن نوزدهم به فرانسه بازگشتند و در اواخر آن قرن، به عنوان یک نظام رهبانی مستقل مطرح شدند. از قرن بیستم، آنان را سیسترسین‌های اصلاح‌شده یا سخت‌گیر خواندند. پس از شورای واتیکانی دوم برخی از صومعه‌های تراپیست اجازه یافتند انضباط خود را تخفیف دهند. در اوائل دهه ۱۹۸۰ بیش از ۶۰ صومعه تراپیست، با حدود ۳۰۰۰ راهب در سراسر جهان وجود داشت. بزرگ‌ترین صومعه آنان در ایالت کنتاکی آمریکا است.

### دومینیکن‌ها

بنیانگذار نظام رهبانی «واعظان سائل» دومینیک است که معمولاً آنان را «دومینیکن» می‌نامند. دومینیک مرکز کار خود را شهر رم قرار داد. برخی از شاگردانش را برای گسترش نظام رهبانی خویش به فرانسه و اسپانیا فرستاد. دومینیکن‌ها دو سال پس از تأسیس

نظامشان، مورد تأیید پاپ هونوریوس سوم (۱۲۱۶-۱۲۲۷) قرار گرفتند. آنان در انگلستان به سبب سیاهی لباسشان، به راهبان سیاه شهرت یافتند. نظام رهبانی دومینیکن، در پایان قرن سیزدهم پنجاه صومعه در انگلستان و خانه‌هایی در اسکاتلند، ایرلند، ایتالیا، بوهمی،<sup>۱۱۸</sup> روسیه، یونان، و گرینلند داشت.

دومینیک یک سال پیش از مرگ خود، گروه شبه‌نظامیان عیسی مسیح<sup>۱۱۹</sup> را تأسیس کرد و از اعضای آن برای دفاع از کلیسا با جان و مال پیمان گرفت. «خواهران تواب پیرو قدیس دومینیک»<sup>۱۲۰</sup> بانوانی بودند که در خانه خود با پیروی از دستورالعملی دینی با پارسایی زندگی می‌کردند.

بعضی از پاپ‌ها، برای تعقیب و مجازات بدعت‌گذاران از راهبان مسیحی، به ویژه دومینیکن‌ها استفاده می‌کردند؛ زیرا عموم آن راهبان زندگی بی‌پیرایه و ساده‌ای داشتند و در اخلاقیات سختگیر بودند. پاپ یکی از دومینیکن‌ها را به نام توماس به ریاست دستگاه تفتیش عقاید سراسر اسپانیا گماشت. توماس بسیاری از تبرئه‌شدگان را دوباره به محاکمه فرا خواند.<sup>۱۲۱</sup> دومینیکن دیگری به نام روبر در یک روز، حکم سوزاندن ۱۸۰ زندانی بدعتگذار را صادر کرد.<sup>۱۲۲</sup> بیشترین آثار مکتوب دومینیکن‌ها در الاهیات و فلسفه بود. متألهان برجسته و مهمی مانند توماس آکوئیناس و آلبرت کییر از دومینیکن‌ها بوده‌اند. تاکنون چهار پاپ و بیش از شصت کاردینال به نظام رهبانی دومینیکن تعلق داشته‌اند.

دومینیکن‌های آلمان، به پیشگامی عارف مشهور مایستر اکهارت،<sup>۱۲۳</sup> برنامه‌ای بدین شرح برای خود طراحی کردند: تسلیم شدن کامل به مشیت الهی؛ روی گرداندن از خویشتن؛ ترک همه تصورات حسی (حتی تصور خود مسیح).

آنان هدف از سلوک عرفانی را اتحاد خود با خدا قرار دادند، به گونه‌ای که امور دنیا نتواند بین آنان با خدا فاصله ایجاد کند. این شیوه به فنای ذات و سرانجام، به گرایش حلولی دعوت می‌کند.<sup>۱۲۴</sup>

دومینیکن‌ها در اوائل قرن نوزدهم، نظام رهبانی خود را به ایالات متحده بردند. آنان نقش عمده‌ای در گسترش مسیحیت در آمریکای جنوبی داشتند. تبلیغ به وسیله گروه‌های میسیونری، هنوز هم یکی از کارهای مهم دومینیکن‌هاست. نخستین فردی که از نیمکره غربی تقدیس شد، یک راهبه دومینیکن اهل پرو بود که پاپ کلمنت دهم (۱۶۷۰-۱۶۷۶) او را قدیسه اعلام کرد.

امروزه، دوره رهبری این نظام رهبانی ۱۲ سال و مرکز آن کلیسای سانتا سائینا<sup>۱۲۵</sup> در رم است. رسالت رهبری این نظام رهبانی، امور فرهنگی، تربیتی و آموزشی است.

### فرانسیسکن‌ها

فرانسیس /سیزی، با بنیان نهادن رهبانیت فرانسیسکن، خود و پیروانش را «نادمان شهر اسیزی» نامید. وی برای سلوک پیروان خود، قواعد ابتدایی<sup>۱۲۶</sup> را نگاشت. فرانسیس همراه دوازده تن از پیروان خود روانه رم شد تا تأیید پاپ را به دست آورد. پاپ /ینوسنت سوم (۱۱۹۸-۱۲۱۶)، به آنان گفت: «به نظر من زندگی شما بی‌اندازه سخت است. من باید ملاحظه کسانی را بکنم که بعد از شما می‌آیند، مبدا شیوه زندگی شما از محدوده قدرت آنان خارج باشد.» سرانجام، با اصرار فرانسیس، پاپ آنان را به رسمیت شناخت.

فرانسیسکن‌ها حق هیچ‌گونه تملک، حتی یک کتاب دعا نداشتند. در فقر مطلق به سر می‌بردند. بعدها این پیمان سست شد. در نتیجه، بارها نهضت‌هایی برای بازگشت به فقر مطلق در میان این گروه به وجود آمد. راهبان مجبور بودند که سخت در مزارع کار کنند. تنها در حالت ضرورت مجبور به گدایی بودند. آنان وسط سر خود را می‌تراشیدند، جامه‌های قهوه‌ای بر تن می‌کردند و برای هدایت مردم پیاده به هر سو می‌رفتند. گروهی از آنان، با زندگی در صومعه مخالف بودند. آرمان فرانسیسکنی، سه نکته محوری داشت: فقر، تواضع و سادگی.<sup>۱۲۷</sup>

فرانسیسکن‌ها، گروه خود را «برادران کوچک‌تر»<sup>۱۲۸</sup> می‌خواندند؛ زیرا معتقد بودند که کوچک‌ترین غلامان درگاه مسیح هستند. آنان به خدمت یکدیگر قیام می‌کردند و به کارهای دستی می‌پرداختند. اما به تحصیل علوم روی خوش نشان نمی‌دادند و تعلیم و تعلم را موانعی بر سر راه سالک می‌دانستند. فرانسیس می‌گفت:

«آن برادران من که در پی کسب دانش روانند، در روز جزا خود را تهیدست خواهند دید. آدمی را فقط آن قدر دانش است که به آن عمل کند.»<sup>۱۲۹</sup>

گروهی از فرانسیسکن‌ها بدون آنکه خود را مکلف به رعایت همه قواعد راهبان کنند، در امور خیریه و کارهای دستی به راهبان فرانسیسکن کمک می‌کردند.

### کرملی‌ها

نظام کرملی‌ها<sup>۱۳۰</sup> در قرن دوازدهم به وجود آمد. این نام بر راهبانی، که در کوه کرمل واقع در شمال فلسطین در نزدیکی بندر حیفا گوشه‌نشینی می‌کردند، اطلاق شده است. متألهان



این نظام رهبانی، به آبتنی حضرت مریم، بدون آلودگی<sup>۱۳۱</sup> او به گناه اصلی توجه خاصی داشتند. آیین‌نامه این گروه را پاپ هونوریوس سوم (۱۲۱۶-۱۲۲۷) تأیید کرد.

در قرن سیزدهم کرملی‌ها، تشکیلات خود را سازماندهی و اصلاح کردند. در نتیجه، آیین‌نامه آنان آسان‌تر و کاربردی‌تر شد. این اصلاحات، به تأیید پاپ اینوسنت چهارم (۱۲۴۳-۱۲۵۴) رسید. هنگامی که مسلمانان فلسطین را از صلیبی‌ها پس گرفتند، کرملی‌ها به قبرس، سیسیل، فرانسه و انگلستان کوچ کردند.

در طول قرن شانزدهم از نظام رهبانی کرملی دو شاخه مستقل به وجود آمد: کرملی‌های پابرهنه<sup>۱۳۲</sup> آنان برای ریاضت و ساده‌زیستی از پوشیدن کفش خودداری می‌کردند. هدف اصلی این نظام رهبانی تفکر، تبلیغ و الاهیات بود. پاپ کلمنت هشتم (۱۵۹۲-۱۶۰۵) نظام رهبانی کرملی‌های پابرهنه را تأیید کرد.

کرملی‌های پاپوش‌دار<sup>۱۳۳</sup> آنان مجاز به پوشیدن کفش بودند و از آیین‌نامه اصلاح‌شده پیروی می‌کردند.

زندگی راهبه‌های کرملی در صومعه نماز، توبه، کار سخت و سکوت کاملاً تأملی بود. آنان از راه ریسندگی و سوزن‌زنی امرار معاش می‌کردند و محیط زندگی ایشان کاملاً بسته بود. آنان هرگز گوشت نمی‌خوردند.

### ژزویت‌ها

ایگناتیوس لویولا و شش تن از دوستانش، جامعه رهبانی «انجمن عیسی»<sup>۱۳۴</sup> را پدید آوردند. پاپ پل سوم (۱۵۳۴-۱۵۴۹) این انجمن را تأیید کرد. افراد انجمن را چهار طبقه تشکیل می‌دهند که به ترتیب عبارتند از:

نوآموزان؛ دانشمندان تعلیم‌یافته؛ دستیاران تعلیم‌یافته و تعهدسپردگان. داوطلبان ورود به انجمن، مدت دو سال با آیین‌ها و اهداف انجمن آشنا می‌شوند. ریاضت‌های روحی را به جا می‌آورند. پس از این مرحله، آنان می‌توانند با سپردن تعهد تجرد، فقر و اطاعت به طبقه دوم پای گذارند. برای رسیدن به مقام کشیشی مشغول تحصیل الاهیات، فلسفه و ریاضیات شوند. این افراد، پس از گذراندن آزمون‌هایی وارد طبقه سوم می‌شوند. سرانجام، عده اندکی به طبقه چهارم راه می‌یابند. آنان کشیشانی هستند که سوگند یاد می‌کنند از پاپ فرمانبرداری مطلق داشته باشند. تعداد افراد این طبقه، حداکثر

یک دهم اعضای کل انجمن است. تعداد افراد انجمن، ابتدا محدود به ۶۰ تن بود که این محدودیت با فرمان پاپ برداشته شد.<sup>۱۳۵</sup>

مردم معمولاً این انجمن را رهبانیت ژزوئیت (در عربی: یسوعی) می خوانند. این واژه، در ابتدا برای هجو آنان به کار می رفت. اما موفقیت ژزوئیت ها سبب شد این عنوان افتخارآمیز باشد.

ژزوئیت ها، مکان ثابت و لباس متمایزی برای فرقه خود ندارند. دعاها و دستهای جمعی برگزار نمی کنند. آنان خود را مقید به انضباط شدید و اطاعت بی قید و شرط از خدا، پاپ و مقامات ارشد می دانند.<sup>۱۳۶</sup> بنابراین، ژزوئیت ها علاوه بر تعهدهای سه گانه راهبان، یعنی فقر، تجرد و اطاعت، بر فرمانبرداری مطلق و بی چون و چرا از پاپ تأکید می کنند.

رهبانیت ژزوئیت، با شعار تبلیغ مسیحیت و اطاعت از پاپ، به سرعت رشد و گسترش پیدا کرد. آمارهای اخیر نشان می دهد که ۲۵/۰۰۰ نفر ژزوئیت، در ۶۵ کشور جهان فعالیت دارند. دانشگاه سن ژوزف (جامعة القديس يوسف)، لبنان را ژزوئیت ها اداره می کنند. آنان مؤثرترین وسیله برای انتقال فرهنگ فرانسه به لبنان بوده اند. این دانشگاه دارای دانشکده های الهیات، مهندسی، هنر، حقوق، پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی است. دانشگاه سن ژوزف از وزارت تعلیم و تربیت فرانسه کمک مالیانه دریافت می کند. مجله *المشرق* وابسته به این دانشگاه، با حدود یک قرن سابقه انتشار، از کارهای فرهنگی ژزوئیت ها در لبنان است.<sup>۱۳۷</sup>

### لازاری ها

بنیان گذار نظام رهبانی، لازاری کشیش فرانسوی و نسان دوپل<sup>۱۳۸</sup> (۱۵۸۱-۱۶۶۰) است. وی با کمک جمعی از زنان انجمن خیریه ای برای کمک به بیماران و بینوایان تأسیس کرد. پرورشگاه کودکان سرراهی پاریس مدیون تلاش های مؤسسه خیریه ای است که وی بنیان نهاد. و نسان یک گروه تبلیغی برای موعظه روستاییان کشاورز پدید آورد.

ونسان دوپل، دیر سن لازار را در پاریس تأسیس کرد. پیروان او «پدران لازاری» خوانده شدند. جماعت تبلیغی لازاری ها، چندین مدرسه علوم دینی برای تربیت کشیشان تأسیس کردند. و نسان در سال ۱۷۳۷ قدیس اعلام شد و در سال ۱۸۵۵ او را قدیس حامی کارهای خیر نامیدند.

پی‌نوشت‌ها

۱. سیدمحمدحسین طباطبائی، *شیعه در اسلام*، ص ۶۳-۶۴.
۲. مرتضی مطهری، *مجموعه آثار*، ج ۱، ص ۴۵۱.
۳. حافظ
۴. «ذوب شدن در خدا» در اصطلاح تصوف اسلامی «وصل» نامیده می‌شود.
۵. توماس میشل، *کلام مسیحی*، ترجمه حسین توفیقی، ص ۱۴۰.
۶. عبدالحسین زرین‌کوب، *دفتر ایام*، ص ۳۲۲.
۷. یوحنا، ۱۴: ۱۰-۱۱.
۸. همان، ۱۷: ۲۱.
۹. عبدالحسین زرین‌کوب، *در قلمرو وجدان*، ص ۳۴۷-۳۵۲.
10. Asoka.
۱۱. Serapis (Serapium) از خدایان مصر باستان که عبادت او ترکیبی از آیین پرستش گاو آپیس و اوزیریس بود.
۱۲. ویل دورانت، *تاریخ تمدن*، ترجمه گروهی از مترجمان، ج ۴، ص ۷۴.
13. The Dead Sea Scrolls.
14. Josephus, *Antiquities of the Jews*, xviii, i, 5.
15. Therapeutae.
۱۶. ویل دورانت، همان، ج ۳، ص ۶۱۸.
۱۷. اعمال رسولان، ۹: ۲ و ۲۲: ۴.
۱۸. حدید: ۲۷.
۱۹. رک: مرتضی مطهری، *مجموعه آثار*، ج ۱۶، ص ۵۱۴-۵۱۹ و ج ۱۹، ص ۳۹۷-۴۰۳.
۲۰. کهف: ۸-۲۵.
۲۱. Decius که معرب آن دقیانوس یا داقیوس است.
22. Ephesus.
23. Seven Sleepers.
24. The Encyclopedia of Religion, vol.13, p.362.
۲۵. hermit (هرمیت) به معنای «گوشه نشین» از اِرمیتس یونانی به معنای «بیابان‌نشین» می‌آید. دو واژه monastic (موناستیک) به معنای «خلوت‌نشین» و monk (مانک) به معنای «راهب» برگرفته از واژه یونانی موناخوس است.
26. *The Wisdom of the Desert Sayings from the Desert Fathers of the Fourth Century*.
27. *New Catholic Encyclopedia*, Vol.9, p.919.
۲۸. استاد مطهری می‌گوید: عجیب این است که این مراکز عبادت و انزوا [دیرها]، سبب رواج فحشا و شراب در جهان اسلام شد. چون شراب و خلوت با زن [در آنها] ممنوع نبود و حجاب نیز معمول نبود، خواه ناخواه همین مراکز عبادت تبدیل به مرکز فساد می‌شد (مرتضی مطهری، *مجموعه آثار*، ج ۱۷ ص ۶۶۴).
29. Athos.
30. hesychasm.
31. hesuchia.

32. Gregory of Sinai.
33. Instruction to Hesychasts.
۳۴. داریوش شایگان، *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، ج ۲، ص ۶۴۵-۶۴۶.
۳۵. رساله به رومیان ۱۶: ۷. در نسخه‌های بعدی واژه junia (مونث) به junias (مذکر) تبدیل شده است.
36. *The Catholic Church*, p.20.
۳۷. رابرت وان وورست، *مسیحیت از لاه‌لای متون*، ترجمه جواد باغبانی و عباس رسول‌زاده، ص ۲۴۳-۲۴۴.
38. Sayings of the Desert Mothers.
39. Historia Lausiaca.
40. Palladius.
41. Vita of Ascetic Women.
42. Jerome (Hieronymus).
43. Stories of Desert Harlots.
۴۴. ویل دورانت، همان، ج ۴، ص ۶۹۳.
۴۵. kyrie eleison به انجیل لوقا ۱۸: ۱۳ اشاره دارد.
46. Counsels of Perfection
۴۷. *نهج البلاغه*، خطبه ۱۶۰.
۴۸. اشاره به بازگشت عیسی.
۴۹. متی، ۱۹: ۱۰-۱۲.
۵۰. متی، ۱۹: ۱۲.
۵۱. رساله اول به قرن‌تین ۷: ۸-۹.
52. Jerom, *Letters*, xxii, 19-20.
۵۳. و.م. میلر، *تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران*، ترجمه علی نخستین، ص ۲۸۵ و ۳۱۲.
۵۴. متی، ۸: ۲۰، لوقا ۹: ۵۸.
۵۵. متی، ۱۹: ۲۱، مرقس ۱۰: ۲۱ و لوقا ۱۸: ۲۲.
۵۶. رساله یعقوب، ۲: ۵.
۵۷. متی، ۱۹: ۲۲، مرقس ۷: ۱۰، لوقا ۱۸: ۲۸.
۵۸. عباس رسول‌زاده و جواد باغبانی، *شناخت مسیحیت*، ص ۳۹۳.
۵۹. برتراند راسل، *تاریخ فلسفه غرب*، ترجمه نجف دریابندری، ص ۵۳۲.
60. Bromyard.
۶۱. ویل دورانت، *تاریخ تمدن*، ج ۶، ص ۲۴.
62. Sponheim.
۶۳. ویل دورانت، همان.
64. Guy Jouenneaux.
۶۵. ویل دورانت، همان.
۶۶. برتراند راسل، همان، ص ۵۳۳.
۶۷. همان، ص ۵۶۱.
68. Reinhold Niebuhr.

- 
69. Nikolai Berdiaev.  
70. Jakob Boeme.  
71. Society of Friends.  
72. Friends.  
73. Pietism.  
74. John Wesley.  
75. Pentecostal.  
76. Avì of Teresa  
77. John of the Cross.
۷۸. متی، ۵: ۱۷.
79. Antony.
۸۰. متی، ۱۹: ۲۱.  
۸۱. متی، ۳۴: ۶.
82. Pachomius.  
83. Liturgy of Saint Basil.
۸۴. اف. ٹی. پیترز، *یهودیت، مسیحیت و اسلام*، ترجمه حسین توفیقی، ج ۳، ص ۲۲۸-۲۲۹.
85. Jerom, *Letters*, xxii, 19-20.  
86. *Ibid.*, xxvii.
۸۷. Benedict: در زبان لاتینی به معنای «مبارک» است.
88. Dialogues.  
89. Monte Cassino.
۹۰. Dominic وی در منابع عربی «عبدالاحد» نیز خوانده می‌شود.
91. Assisi.  
92. Hans Kung, *The Catholic Church*, p. 98.  
93. Berthold.  
94. Our Lady of Mount Carmel.  
95. Albert of Vercelli.
۹۶. ویل دورانت، *تاریخ تمدن*، ج ۶، ص ۱۰۸۱.
97. Spiritual Exercises.  
98. Jesuit.  
99. Vincent de Paul.  
100. Way of Perfection.  
101. Interior Mansions.
۱۰۲. رابرت وان وورست، همان، ص ۳۷۱-۳۷۴.
103. Fontiveros.  
104. The Rule of St. Benedict.
۱۰۵. بخش‌هایی از این آیین‌نامه در شناخت مسیحیت، ص ۴۰۶-۴۱۲ آمده است.  
۱۰۶. عنوان رئیس صومعه راهبان ابوت (Abbot) به معنای «پدر» است.  
۱۰۷. این قرائت بر اساس مزامیر ۱۱۹: ۱۶۴ روزی هفت بار انجام می‌شود.
108. Hans Kung, *Ibid*, p. 65-66.  
109. Cistercian.  
110. Cistercium.  
111. Citeaux.  
112. Robert.

- 
113. Bernard.  
114. Love of God.  
115. Canticles.  
۱۱۶. ژاک لوگوف، روشنفکران در قرون وسطا، ترجمه حسن افشار، ص ۳۳.
117. Trappist, Trappistine.  
۱۱۸. نامی باستانی برای بخشی از جمهوری چک.
119. Militia of Jesus Christ.  
120. The Sisters of Penance of St. Dominic.  
۱۲۱. ویل دورانت، همان، ج ۶ ص ۲۶۰.  
۱۲۲. همان، ج ۴ ص ۱۰۴۸.
123. Meister Eckhart.  
۱۲۴. توماس میشل، همان، ص ۱۴۶.
125. Santa Sabina.  
126. Primitive Rule.  
۱۲۷. هانس کونگ، تاریخ کلیسای کاتولیک، ترجمه حسن قنبری، ص ۱۵۵-۱۵۶.
128. Friars Minor.  
۱۲۹. ویل دورانت، همان، ج ۴ ص ۱۰۷۰.
130. Carmelites.  
131. Immaculate Conception.  
132. Discalced Carmelites.  
133. Calced Carmelite.  
134. Society of Jesus.  
۱۳۵. رابرت وان وورست، همان، ص ۳۳۹.  
۱۳۶. هانس کونگ، همان، ص ۱۹۸-۱۹۹.  
۱۳۷. فیلیپ خوری حتی، شرق نزدیک در تاریخ، ترجمه قمر آریان، ص ۵۰۸-۵۱۴؛ رک: محمدرضا شریعتمداری، «معرفی مجله المشرق»، هفت آسمان، ش ۵.
138. Vincent de Paul.

## منابع

- نهج البلاغه، گردآوری سید رضی، تحقیق صبحی الصالح، بیروت، بی‌نا، ۱۹۶۷.
- اکمپیس، توماس، *اقتدا به مسیح*، ترجمه سعید عدالت‌نژاد، تهران، طرح نو، ۱۳۸۲.
- الاستانی، بطرس، *دایرةالمعارف*، بیروت، دار المعرفه، بی‌نا.
- پیترز، اف. ئی، *یهودیت، مسیحیت و اسلام*، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴.
- توفیقی، حسین، *آشنایی با ادیان بزرگ*، تهران، سمت، ۱۳۸۴.
- خوری حتی، فیلیپ، *شرق نزدیک در تاریخ*، ترجمه قمر آریان، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
- دورانت، ویل، *تاریخ تمدن*، ترجمه گروهی از مترجمان، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.
- راسل، برتراند، *تاریخ فلسفه غرب*، ترجمه نجف دریابندری، تهران، کتاب پرواز، ۱۳۷۳.
- رسول‌زاده، عباس و جواد باغبانی، *شناخت مسیحیت*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۹.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، *در قلمرو وجدان*، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.
- ، *دفتر ایام*، تهران، علمی، معین، ۱۳۶۵.
- ژان دانیلو، *ریشه‌های مسیحیت در اسناد بحرالمت*، ترجمه علی مهدی‌زاده، قم، نشر ادیان، ۱۳۸۳.
- شایگان، داریوش، *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، تهران امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- شریعتمداری، محمدرضا، «معرفی مجله المشرق». *هفت آسمان*، ش ۵، بهار ۷۹.
- کتاب مقدس، ترجمه دکتر بروس، لندن، ایلام، ۱۹۰۴.
- کونگ، هانس، *تاریخ کلیسای کاتولیک*، ترجمه حسن قنبری، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴.
- لوگوف، ژاک، *روشنفکران در قرون وسطا*، ترجمه حسن افشار، تهران، مرکز، ۱۳۷۶.
- محمدیان، بهرام، *دایرةالمعارف کتاب مقدس*، تهران، سرخدار، ۱۳۸۱.
- مرتضی مطهری، *مجموعه آثار*، قم، صدرا، بی‌نا.
- میشل، توماس، *کلام مسیحی*، ترجمه حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۷.
- و.م. میلر، *تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران*، ترجمه علی نخستین، بی‌جا، حیات ابدی، ۱۹۸۱.
- وان وورست، رابرت، *مسیحیت از لابه‌لای متون*، ترجمه جواد باغبانی و عباس رسول‌زاده، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴.
- هاکس آمریکایی، *قاموس کتاب مقدس*، تهران، اساطیر، ۱۳۷۷.
- Mircea Eliade (ed.), *The Encyclopedia of Religion*, Macmillan, 1987, 16 vols.
- Philip Schaff (ed.), *The Creeds of Christendom*, Baker Books, 1993, 3 vols.
- Hans Kung, *The Catholic Church*, A Modern library Chronicles Book, New York, 2001.